

# گیوم آپولینر

مترجم: دکتر عباس پژمان



این شعر را آپولینر به یاد ماری لورنس سروده است. آپولینر و ماری لورنس از ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۱ با همدیگر عاشق و معشوق بودند و در دو سال آخر آشنایی شان که آپولینر در محله اوتوی پاریس منزل داشت غالباً برای گردش به روی پل میرابو می رفته اند (پل میرابو در نزدیکی محله اوتو است). آشکار است که شعر درباره گذشت زمان است و مردن عشق‌ها و نوستالژی روزها و عشق‌هایی که دیگر نیستند. و همین‌طور درباره ماندگار بودن چیزی یا کسی که به صورت من می مانم در شعر تکرار می شود. باید توجه داشت که این شعر به علت ایجازی که در بعضی از مصرع‌های آن هست و هیچ نوع علائم سجاوندی هم در آن نیست بیش از یک معنی یا خوانش دارد. مثلاً لازم است که از آن‌ها یاد کرد، که مصرع سوم است، به دو صورت خوانده می شود، یکی به صورت سؤالی، و دیگری به صورت خبری، و با هر کدام این خوانش‌ها مصرع چهارم هم معنی و خوانش خاصی پیدا می کند. اگر مصرع سوم به صورت سؤالی خوانده شود، در مصرع چهارم تاکید بر روی غم عشق خواهد بود، و اگر مصرع سوم به صورت خبری خوانده شود تاکید بر روی شادی عشق: هیچ وقت نشد که شادی از پی غم نیاید. اما یکی از زیباترین خوانش‌های این شعر آن است که بندهای چهار مصرعی صدای خود شاعر باشد، و ترجیع بند شعر، که شب را گو یباید و ساعت اعلام شود / روزهایند که می روند من می مانم / عشق هم مثل این رود می گذرد / عشق هم می گذرد / و چقدر زندگی دیر می یاید / و چقدر امید شدت به خرج می دهد / شب را گو یباید و ساعت اعلام شود / روزهایند که می روند من می مانم / نه زمانی که گذشت بر می گردید / و نه عشق‌ها بر می گردید / روزها و هفته‌ها می گذرد / سن در زیر پل میرابو می گذرد / شب را گو یباید و ساعت اعلام شود / روزهایند که می روند من می مانم

## پل میرابو

## Le Pont Mirabeau

Sous le pont Mirabeau coule la Seine  
Et nous amours  
Faut-il qu'il m'en souvienn  
La joie venait toujours après la peine

سن در زیر پل میرابو می گذرد  
و عشق‌های ما  
لازم است که از آن‌ها یاد کرد  
هرگز نشد که شادی از پی غم نیاید

Vienne la nuit sonne l'heure  
Les jours s'en vont je demeure

شب را گو یباید و ساعت اعلام شود  
روزهایند که می روند من می مانم

Les mains dans les mains restons face face  
Tandis que sous  
Le pont de nos bras passe  
Des ternels regards l'onde si lasse

ما دست در دستیم و در رویه روی هم  
و موج چقدر خسته می گذرد  
در زیر این پل که بازوهایمان می سازند  
و نگاه‌هایی که تا ابد خواهند بود

Vienne la nuit sonne l'heure  
Les jours s'en vont je demeure

شب را گو یباید و ساعت اعلام شود  
روزهایند که می روند من می مانم

L'amour s'en va comme cette eau courante  
L'amour s'en va  
Comme la vie et lente  
Et comme l'Esprance est violente

عشق هم مثل این رود می گذرد  
عشق هم می گذرد  
و چقدر زندگی دیر می یاید  
و چقدر امید شدت به خرج می دهد

Vienne la nuit sonne l'heure  
Les jours s'en vont je demeure

شب را گو یباید و ساعت اعلام شود  
روزهایند که می روند من می مانم

Passent les jours et passent les semaines  
Ni temps pass  
Ni les amours reviennent  
Sous le pont Mirabeau coule la Seine

نه زمانی که گذشت بر می گردید  
و نه عشق‌ها بر می گردید  
روزها و هفته‌ها می گذرد  
سن در زیر پل میرابو می گذرد

Vienne la nuit sonne l'heure  
Les jours s'en vont je demeure

شب را گو یباید و ساعت اعلام شود  
روزهایند که می روند من می مانم